

## لوازم «محرومیت‌زدایی عادلانه» در تفکر سیاسی آیت الله خامنه‌ای

صابر حسن‌پور<sup>۱</sup>، مهدی نادری<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۶

**چکیده:** سؤال اصلی مقاله آن است که لوازم «محرومیت‌زدایی عادلانه» در تفکر سیاسی آیت الله خامنه‌ای (مدظله) چیست؟ برای پاسخ به این پرسش، تحقیق حاضر با روش تحلیل اسنادی انجام و از فیش برداری به عنوان ابزار استفاده شده است. یافته‌های تحقیق مویده آن است که در دیدگاه آیت الله خامنه‌ای (مدظله) مسئله محرومیت با فقدان عدالت اجتماعی در جامعه ارتباط تنگاتنگی دارد. از اینرو لازمه «محرومیت‌زدایی» استقرار عدالت اجتماعی است. در دیدگاه آیت الله خامنه‌ای محرومیت محصول نظام‌های غیراسلامی است و چنانچه عملکرد کارگزاران دولت اسلامی در معنای حقیقی، «اسلامی» باشد می‌تواند به رفع محرومیت ناشی از عملکرد دولت‌های غیر اسلامی، منتهی گردد. با این حال، نقشه اجرای عدالت اجتماعی در تفکر اسلامی، اصول راهنمایی دارد که حداقل در محورهای چندگانه «اولویت داشتن محرومین»، «ضرورت فرصت برابر»، «اصلاح ساختارها و رویه‌های ظالمانه» و «اهتمام مضاعف به افراد کم توان و ناتوان» با دیدگاه‌های جهانی همخوانی دارد. اگر چه می‌تواند این اصول راهنما در مقام تفسیر و عمل، به سبک و سیاق‌های مختلفی ناظر بر زیست‌بوم‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی عملیاتی شوند.

**واژگان اصلی:** عدالت اجتماعی، محرومیت‌زدایی، کفایت‌گرایی، آیت الله خامنه‌ای (مدظله).

## مقدمه

بررسی و ارائه در علوم سیاسی امری شایع و رایج است که یک نظام سیاسی خاص را بر اساس عدالت اجتماعی ارزیابی کنند، چون توزیع منابع مهمترین ابزاری اند که از طریق آنها، نظام سیاسی به تصویری از عدالت جامه‌ی عمل می‌پوشاند. اساساً فهم مسئله عدالت در حیات اجتماعی و به ویژه حیات اقتصادی، با مسئله «توزیع» مرتبط است (صدر، ۱۴۲۹، ج ۳: ۷۸۳-۷۸۶) چرا که از دیرباز میان دو مفهوم «عدالت» و «توزیع» نوعی قرابت وجود داشته است؛ به گونه‌ای که گاه از «عدالت توزیعی»<sup>۱</sup> به عنوان یکی از انواع عدالت یاد شده و گاه عدالت، وصف هرگونه توزیع موهبت‌ها و منابع تلقی شده است (سرآبادانی تفرشی، ۱۳۹۶: ۵۳). بنابراین می‌توان اذعان داشت که عدالت اقتصادی که گاهی با عدالت توزیعی یکی انگاشته می‌شود، هم اصلی‌ترین بخش عدالت است و هم محوری‌ترین بخش اقتصاد هنجاری (عیوضلو، ۱۳۸۴: ۸۵-۸۴).

در توزیع عادلانه‌ی منابع و امکانات، "توجه به محرومان" به منظور کاهش شکاف‌ها و نابرابری‌ها، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. این توجهات و تاکیدات را در اندیشه و کلام معصومین (ع) و نیز در سیره‌ی عملی و حاکمیتی آنها می‌توان مشاهده نمود. امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «همانا خدای سبحان روزی فقرا را در اموال سرمایه داران قرار داده است، پس فقیری گرسنه نمی‌ماند، جز به کامیابی توانگران و خداوند از آنان درباره‌ی گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید» (نهج البلاغه، حکمت ۵۰۵). امام علی (ع) در این فراز از نهج البلاغه به عدم توزیع عادلانه‌ی ثروت به عنوان یکی از علل فقر و محرومیت در جامعه اشاره دارند.

سیره عملی و حاکمیتی معصومین (ع) نیز بیانگر اهتمام ویژه‌ی آنها در رسیدگی به فقر و محرومیت زدایی از جامعه می‌باشد. «یک نمونه آن، تشکیل نهاد اجتماعی توسط پیامبر اکرم (ص) در مدینه بود که بر طبق آن مهاجران فقیر مکه که مکان اسکان و مواد غذایی در اختیار نداشتند، مورد حمایت حکومت اسلامی قرار گرفته و توسط پیامبر اکرم (ص) در سکویی در قسمت شمالی مسجدالنبی اسکان می‌یافتند و جیره غذایی روزانه‌ی ای برای آن‌ها در نظر گرفته شد (احمدالعلی، ۱۳۸۱: ۲۷۱-۲۷۰).

از طرفی یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ و پس از شکل گیری حاکمیت دینی، موضوع "محرومیت زدایی مبتنی بر عدالت" در قالب عدالت توزیعی بوده است. در نگاه آیت الله خامنه‌ای (مدظله) «برابری توزیعی» برجسته و دارای اهمیت ویژه ای می باشد. ایشان بارها توجه به محرومان و رفع فقر و محرومیت با رویکردی عادلانه را به مسئولان توصیه نموده اند. معظم له در دیدار اعضای هیات دولت به این موضوع تصریح نمودند که: «در برنامه‌ریزی‌ها، مسأله‌ی برطرف کردن فقر و محرومیت از کشور را در درجه اول قرار دهید که یکی از ارکان عدالت، این موضوع است. البته همه‌ی مفهوم عدالت این نیست که ما فقر و محرومیت را برطرف کنیم، گرچه حقاً و انصافاً بخش مهمی از آن است» (بیانات، ۱۳۷۴/۶/۸).

با توجه به اهمیت عدالت اجتماعی به عنوان اصلی ترین و مهمترین مبحث فلسفه سیاسی و گره خوردن آن با مباحث مختلف ارزشی، اخلاقی، حقوقی، سیاسی، انسان شناختی و معرفت شناختی (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۵) و از طرفی توجهات و تأکیدات صورت گرفته در کلام و سیره ی معصومین (ع) و با عنایت به اینکه عدالت اجتماعی و توجه به محرومان از آرمان های اساسی انقلاب اسلامی است؛ این مقاله تلاش دارد تا در چارچوب مهمترین نظریه های ارائی شده در حوزه ی عدالت اجتماعی و بر اساس روش تحلیل اسنادی، از منظر مقام معظم رهبری (مدظله) به عنوان یکی از رهبران انقلاب اسلامی، به این مبحث مهم پرداخته و به این سؤال اساسی پاسخ دهد که: لوازم «محرومیت زدایی عادلانه» در تفکر سیاسی آیت الله خامنه ای (مدظله) چیست؟

## الف- مبانی و چارچوب نظری

### مبانی نظری

میان «عدالت اجتماعی» و «محرومیت زدایی» ارتباط وثیقی وجود دارد. وقتی سخن از عدالت اجتماعی است؛ بی درنگ «محرومیت زدایی» در ابعاد مختلف بویژه بعد اقتصادی آن، به عنوان شاخصی غیر قابل انکار خود نمایی می کند. کاهش ضریب جینی، تقسیم متناسب خیرات در جامعه، ایجاد فرصت های برابر برای آحاد افراد، از جمله محورهای اصلی رفع محرومیت به شمار می رود که در راستای تحقق عدالت اجتماعی، همواره مورد توجه حاکمان بوده اند. مقام معظم رهبری به عنوان

سیاستگذار کلان جمهوری اسلامی در بیان اهمیت و ابعاد عدالت اجتماعی می‌فرماید: «در بنای یک جامعه، عدالت از همه چیز مهمتر است. عدالت، به معنای عدم تبعیض در حقوق و حدود و احکام است. عدالت، یعنی کمک به مردم محروم و ضعیف. عدالت، یعنی اینکه برنامه‌ها و حرکت کلی کشور، در جهت تأمین زندگی مستضعفان باشد» (بیانات، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲). در این تحقیق سعی شده است تا از مباحث نظری ارائه شده در حوزه عدالت پژوهی در اسلام و غرب، به عنوان چارچوب نظری تحقیق استفاده شود.

### ۱. عدالت اجتماعی در حوزه مطالعات اسلامی

برخی از متفکران اسلامی از جمله فارابی، ملا احمد نراقی، سید قطب، مرتضی مطهری، سید محمد بهشتی، سید محمدباقر صدر و ... به ارائه مباحث نظری پیرامون عدالت پرداخته اند. در میان مجموعه مباحث ارائه شده پیرامون عدالت اجتماعی در حوزه مطالعات اسلامی، عمده ترین مباحث به نظریات شهید صدر و فارابی اختصاص دارد.

شهید صدر عدالت اقتصادی را یکی از ابعاد عدالت اجتماعی دانسته و معتقد است که در صورتی تحقق می‌یابد که خروجی سیاست های اقتصادی حکومت باعث "پدید آمدن رفاه عمومی"، "تبادل بین ثروت ها و درآمدها" گردد. وی برای تحقق عدالت اجتماعی به دو اصل به عنوان مکانیزم های اقتصادی اسلام اشاره و تاکید دارد که تحقق عدالت، مشروط به دو اصل "تأمین اجتماعی" و "توازن اجتماعی" است. اصل "تأمین اجتماعی" دولت را مکلف به تأمین کامل وسایل زندگی عموم افراد کرده و اصل "توازن اجتماعی" نیز به معنای برابری و تعادل در تمام ابعاد زندگی اجتماعی و برای همه افراد جامعه است. مقصود از توازن اجتماعی بین افراد جامعه، برابری در سطح معیشت است و نه برابری در سطح درآمد. به این معنا که به دلیل تفاوت های فردی افراد، پس از کار، میزان دارایی افراد متفاوت می‌گردد. ولی اسلام ضمن پذیرش این تفاوت، با بروز اختلاف های شدید طبقاتی مخالف است و وظیفه حاکم اسلامی می‌داند که سطح زندگی افراد جامعه را مافوق کفاف یعنی به حد بی نیازی برساند (حق خواه، ۱۳۸۵: ۲۲-۲۴).

اما فارابی به عنوان یک فیلسوف غایت گرا، عدالت را به اعم و اخص تقسیم می‌کند. مراد فارابی از عدالت اعم یا عام، به کار بستن افعال فضیلت در مناسبات اجتماعی و رفتار با دیگران است. وی عدالت اخص یا خاص را به دو بخش تقسیم می‌کند: بخش اول عبارت از عدالت در قسمت و

توزیع خیرات میان اهل مدینه است. هریک از افراد مدینه، سهمی در «خیرات مشترک» دارند که باید به طور برابر و با رعایت استحقاق‌ها بین آنها تقسیم شود و اگر کسی کمتر یا بیشتر دریافت کند، بی‌عدالتی رخ می‌دهد. پس از توزیع سهم هر کس بر اساس شایستگی، نوبت بخش دوم عدالت، عدالت اخص یا خاص می‌رسد که عبارت از «عدالت در حفظ» است. مراد فارابی از این بخش عدالت، تأکید بر این است که در جامعه فاضله، باید کوشید سهم هر فرد از خیرات مشترک که به طور عادلانه به او رسیده است، از دستش خارج نشود. بنابراین اگر در مواردی، این سهم مشروع و عادلانه، به طور غیر ارادی و بر خلاف میل و رضایت فرد، با اموری نظیر دزدی و غصب از چنگش به درآمد، اقتضای «عدالت حفظی» آن است که به همان اندازه جبران، و حق و سهم وی به او بازگردانده شود (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۳۳-۱۲۸).

باید اعتراف کرد که برخی از نکات فارابی، تکرار مطالب ارسطو درباره عدالت، با اندکی تفاوت در تعبیر است؛ مثلاً آنچه وی راجع به «عدالت حفظی» می‌گوید، بسیار نزدیک به عدالت تصحیحی ارسطوست، و مطالب فارابی درباره عدالت توزیعی، نکته تازه‌ای در مقایسه با دیدگاه ارسطو ندارد. نقد دیگر بر دیدگاه فارابی اینکه اعطای حق هر ذی‌حق و توزیع بر اساس استحقاق‌ها فقط جنبه صوری و قالبی عدالت اجتماعی را تأمین می‌کند، و به جنبه محتوایی عدالت نمی‌پردازد (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۳۵).

## ۲. عدالت اجتماعی در حوزه مطالعات غرب

در حوزه مطالعات غرب، "جاناتان ولف"<sup>۱</sup> مروری جامع به مهمترین روایت‌های فلسفی ارائه شده در خصوص عدالت اجتماعی؛ داشته است. ولف در «برابری و عدالت اجتماعی» (McCinon, 2012, pp.147-162) با طرح پرسش‌های سه‌گانه، نشان می‌دهد که ارائه تصویری واضح و روشن از عدالت، چه دشواری‌هایی را به همراه دارد. اینکه: ۱. آیا همه‌ی نابرابری‌ها ناعادلانه هستند- به عبارت دیگر، آیا عدالت اجتماعی مستلزم برابری است؟ ۲. آیا عدالت اجتماعی باید بازم بر توزیع درآمد و ثروت، توزیع شادکامی، سطح زندگی، یا چیز دیگری تمرکز

1. Jonathan Wolff

کند؟ این پرسش، پرسش از "جریان" عدالت است. ۳. سرانجام، بین عدالت اجتماعی و مسئولیت اجتماعی چه پیوندی وجود دارد؟

ولف در خصوص پرسش اول، ضمن اشاره به نظر برخی که معتقدند: همه ی نابرابری ها، ناعادلانه نیستند، تاکید دارد که یک دلیل در دفاع از این نظر؛ به تئوری جان رالز بر می گردد که معتقد است جامعه ی نابرابر می تواند عادلانه باشد، مادام که نابرابری ها به نفع کسانی باشد که در وضع بدی به سر می برند. اما ولف در کنار نظریه "اولویت جویی مطلق" رالز، تئوری "اولویت جویی سنجیده" را نیز قابل اعتنا می داند؛ از این منظر که وقتی بهبود بخشیدن به وضع محرومان بسیار پر هزینه ولی نتایج آن، بهبودی ناچیز و کم اهمیتی را در پی داشته باشد، در چنین شرایطی عادلانه به نظر می رسد که از منابع و امکانات کمیاب، به شیوه های دیگری استفاده کنیم. شیوه ای که در آن اهمیت فوق العاده و نه مطلقاً به محرومان می دهد. البته ولف به نگرش دیگری در قالب «نظریه ی کفایت» نیز پرداخته و آن را نیز قالب تأمل می داند. اینکه آن چه که اهمیت دارد این است که آیا همگان برای سپری کردن یک زندگی پررونق، به قدر کفایت بهره مند هستند؟ در اینصورت، عدالت تنها مبتنی بر توزیع بیشتر نخواهد بود.

جاناناتان ولف در جمع‌بندی این نظریات معتقد است که در سطح نظری دشوار خواهد بود که میان این چهار نظریه (برابری- اولویت مطلق- اولویت سنجیده- کفایت) به یک اتفاق نظر از عدالت اجتماعی دست یابیم. اما در سطح عملی این اتفاق ممکن به نظر می رسد، چرا که در همه ی این نظریه ها، رسیدگی به مطالبات کسانی که در شرایط بدی قرار دارند، دارای فوریت خاصی می باشند. پرسش دوم، به "جریان" عدالت می پردازد. اینکه دقیقاً "برابری"، "اولویت"، یا "کفایت" در چه چیزی؟ همان طور که راندل دورکین (Dworkin, 1981 b.190-195) و آمارتیا سن (Sen, A, 1999: 5-10) هر دو خاطر نشان کرده اند، جریان های متفاوت عدالت می تواند تأثیرات توزیعی متفاوتی داشته باشد. اگر یک شخصی نیازها و امیال پُرخرجی از دیگران داشته باشد، در این صورت برابر کردن درآمد و ثروت می تواند به نابرابری هایی در "رفاه" منجر شود - که از آن به معیار ذهنی بهروزی، مانند شادکامی یا رضایت ترجیحی تعبیر می شود- آیا حکومت ها باید کانون توجه خود را روی درآمد و ثروت متمرکز کنند و نگران تأثیرات آن روی شادکامی نباشند؟ یا آیا دغدغه اصلی شان باید شادکامی باشد و از این رو دست به اقداماتی بزنند تا انسان ها را از بدبختی بیرون بیاورند و نه از فقر؟

پرسش سوم، سخنی است درباب مسئولیت فردی. همانگونه که اشاره شد، رالز معتقد است که باید ثروت و درآمد کسانی را به بیشترین حد برسانیم که کمترین ثروت و درآمد را دارند. اما اینجا پرسشی از سوی منتقدان مطرح می شود اینکه آیا جا ندارد بررسی کنیم که چگونه است که انسان ها به جایی می رسند که دارای کمترین ثروت و درآمد می شوند؟ در یک مثال مشهور از ما خواسته می شود تا کسانی را تصور کنیم که روزگارشان را به موج سواری در شهر میو می گذرانند، به جای اینکه به کاری مشغول شوند. حال پرسش این است که آیا جامعه به برای کمک به آن ها وظیفه ای بر گرفته از عدالت، دارد؟ نظریه رالز بیانگر آنست که جامعه چنین وظیفه ای دارد. از نظر ولف، طرفداران نظریات برابری باید بین افرادی مانند معلولان که به نوعی دارای مشکلات عینی هستند، با کسانی که به جای کار کردن به تفریح پرداخته اند و خود باعث و بانی مشکلات شان هستند، تفاوت قائل شوند.

ولف در ادامه به دیدگاه رالز در مورد دورکین (Dworkin, 1981 c:185-243) می پردازد که سعی دارد، اندیشه "مسئولیت" را در نظریه های برابری طلبانه جای دهد. استدلال دورکین در واقع نشان می دهد که اگر فردی فارغ از شرایط متفاوت مانند انواع معلولیت ها باشد، و به انتخاب خود بخواهد بجای کار کردن، تمام روز را به تفریح بپردازد، در چنین شرایطی جامعه به انتخاب های اینگونه افراد نباید یارانه دهد. اما اگر فردی دارای معلولیتی بوده که مانع از کار کردن او شود در چنین شرایطی حق دارد که از جامعه بخواهد تا به او کمک کند. در واقع در استدلال دورکین، عدالت، مستلزم برابر سازی اوضاع و احوال پیش زمینه ای افراد است، اما افراد نیز باید پیامدهای انتخاب های آزاد خود را بپردازند.

جانانان ولف در تبیین دیدگاه "برابری فرصت"، به مزیت این دیدگاه که تاکید بر توازن میان "مسئولیت اجتماعی" و "مسئولیت فردی" است، اشاره دارد. از نظر ولف، بزرگترین مزیت این رویکرد اینست که ظاهراً می تواند به اجماع وسیعی دست یابد و کمتر اتفاق می افتد که کسی مخالف "برابری فرصت" باشد. اما بدلیل آنکه از مفهوم "برابری فرصت" (شامل "برابری فرصت در رقابت" و "برابری فرصت در امور غیر رقابتی") تعاریف مختلفی ارائه می شود، لذا اتفاق نظر گسترده ای درخصوص این رویکرد بدست نخواهد آمد.

ولف در ادامه به یکی دیگر از اشکال "فرصت" پرداخته و اشاره دارد که فرصت را نباید

برحسب رقابت فهمید. از نظر ولف دسترسی به فرصت را می‌توان بخشی از زندگی پروتق تلقی کرد، و نه ابزاری برای رسیدن به خیر دیگری. مثلاً، تربیت فرزند خود را با فرصت‌های گسترده را در نظر آوردید. شاید این سخن بدین معنا باشد که دسترسی به انواع و اقسام خیرهای فرهنگی و اجتماعی - هنر، موسیقی، ورزش، مشغله‌های بیرونی - به آن‌ها بدهیم به طوری که آن‌ها بتوانند بیازمایند و هر یک آن‌چه برای شان بهترین است بیابند. فرصت، به این معنا، دسترسی به خیرهای کمیابی نیست که در رقابت واگذار می‌شود، بلکه در اختیار گذاشتن خیرهایی است که هر تعداد از انسان می‌توانند از آن‌ها برخوردار شوند.

ولف تا به اینجا به این نتیجه می‌رسد که "برابری فرصت در امور غیر رقابتی" را باید جایگزین دیدگاه "اولویت جویانه" کرد به این شکل که حکومت در قبال افزایش فرصت‌های کسانی که دارای کمترین فرصت هستند، مسئولیت خاص دارد و حکومت تنها در صورتی می‌تواند با نابرابری‌ها مداخلت کند که این نابرابری‌ها واقعاً به نفع محروم‌ترین افراد باشد. اما در پاسخ به این استدلال‌ات، هنوز هم می‌توان استدلال کرد که "برابری فرصت در امور رقابتی" در جهان واقعی اهمیت بالایی دارد. بخواهیم یا نخواهیم، جوامع مبتنی بر بازار، بعضی از مشاغل دارای درآمد بالا و بسیاری از مشاغل دارای درآمد پایین را در خود جای می‌دهند.

ولف سپس به استدلال برخی از نظریه پردازان عدالت اجتماعی اشاره می‌کند که معتقدند مهمترین خیرها، الزاماً خیرهای کمیاب که دارای ساختار رقابتی اند، نیستند. بلکه مهمترین خیرها، خیرهایی هستند که ساختار رقابتی نداشته مانند خیرهایی که از دل مصاحبت، اجتماع، دوستی یا تعلق خاطر سر بر می‌آورند؛ و به تعبیر تونی "تقسیم شدن، از دست دادن نیست" (Tawney, 1931: 291) با این همه، نگرش سوسیالیستی به عدالت اجتماعی بجای مصرف خیرهای مادی، به برخورداری از خیرهای مشـترک مانـند: هنـر، فرهنگ، گفت و گو، مجالست و نیز رشد استعدادهای چند وجهی، تاکید دارند.

از منظر توجّه به خیرهای غیرمادی هدف عدالت اجتماعی دستیابی به توزیع برابر خیرهای مادی نیست، بلکه هدفش ایجاد جامعه‌ای است که در آن هر فردی بتواند خودش را فردی ارزشمند و برابر تصور کند. اگر چه، همانطور که خاطر نشان شد، نابرابری زیاد مادی می‌تواند مانع مهمی بر سر راه عدالت اجتماعی باشد.

از منظر آیریس مارین یانگ، جنبش‌های اجتماعی رادیکال به گمان خود



بدنبال رهایی هستند و نه عدالت توزیعی. اما به نظر یانگ عدالت اجتماعی را نباید در وهله ی اول برحسب توزیع خیرهای مادی فهم کرد. بلکه باید به شیوه هایی توجه بیشتر کنیم که در آن ساختارهای اجتماعی به بعضی افراد اختیار مادی دهـــند و بعضی دیگـــر را ســـرکوب می کند. یانگ (Young, I.M. 1990:30-35) به پنج نیروی سرکوب اشاره و تاکید می کند که «بی عدالتی توزیعی ممکن است در این شکل های سرکوب سهم باشد یا از آن ها ناشی شود اما هیچ کدام به توزیع فروکاستنی نیست و همه ی آن ها پای ساختارهای اجتماعی و روابط فراسوی توزیع را به میان می کشند (ibid: 9). ولف با توجه به مباحث بالا، معتقد است که بر خلاف شیوه هایی که تاکنون بررسی کرده ایم که مبتنی بر دغدغه های توزیعی بوده اند، این نگرش بر شیوه هایی تاکید دارد که در آن ساختارها، هنجارهای فرهنگی و سنت های اجتماعی می توانند انسان ها را در وضع نامساعدی قرار دهند و لذا ارزش آن را دارد که این شیوه را در برابر دغدغه های اساساً توزیعی قرار دهیم.

الیزابت اندرسون دنباله ی مبحث یانگ را می گیرد و معتقد است: «هدف سلبی و مناسب عدالت برابری طلبانه این نیست که تاثیر بخت بد محض را از امور انسانی حذف کند، بلکه هدفش پایان دادن به سرکوبی است که فی نفسه از سوی اجتماع تحمیل می شوند. هدف ایجابی و مناسب عدالت برابری طلبانه این نیست که تضمین کند همگان آنچه را به لحاظ اخلاقی استحقاق دارند به دست آورند، بلکه هدفش ایجاد جامعه ای است که در آن انسان ها در موضع برابر با دیگران قرار بگیرند» (Anderson, 1999: 288-9). ولف معتقد است که این جا همچنان پرسشی آزار دهنده باقی می ماند، اینکه آیا یک جامعه ی عادلانه می تواند پرسش های مربوط به توزیع و اصل استحقاق را نادیده بگیرد؟ به نظر ولف، یانگ و اندرسون نه تنها این مباحث را نادیده نمی گیرند بلکه آن ها را ابزاری برای پایبندان دادن به سرکوب می دانند.

اما از منظر نانسی فریزر این تصویری درست نیست. فریزر (Fraser,

**N. 1995:80-92**) نگرشی دوگانه ارائه می‌کند که در آن برچیدن بساط سرکوب و دستیابی به عدالت توزیعی، هر دو از بخش‌های ضروری جامعه‌ی به لحاظ اجتماعی عادلانه هستند و هیچ کدام از این دو، تابع دیگری نیست. ولف معتقد است هر چه قدر که این نگرش جذاب باشد اما اینکه چگونه باید این دو را سازگار کرد بویژه وقتی که میان این دو ناسازگاری باشد، یک مساله مهمی است. مثلاً در نظریه‌ی عدالت توزیعی، متقاضیان رفاهی باید نشان دهند که شایسته دریافت توجه جامعه‌ی عادلانه هستند. از این رو که بیکار شدن آن‌ها به انتخاب خودشان نبوده بلکه بدلیل بخت بد آن‌ها و فقدان فرصت آتفاق افتاده است. در این صورت برای چنین کسانی تحقیر آمیز خواهد بود، چرا که افراد بسیاری می‌توانند بدون دردسر برای خود شغلی مهیا کنند لذا در چنین شرایطی جایگاه متقاضیان مزایای رفاهی به عنوان فردی برابر در جامعه، تضعیف می‌شود. بنابراین باید تلاش کرد تا شیوه‌ای را ارائه دهیم که بتواند توزیع منصفانه را در روابط اجتماعی غیر سرکوب گرانه، جمع نماید.

ولف معتقد است کسانی که احساس می‌کنند "برابری توزیعی" به تنهایی برای نظریه‌ای در باب عدالت اجتماعی ناکافی است و مساله‌ی سرکوب را باید در آن گنجانند؛ در این صورت باید رای و نظری را ارائه کنند که جایگزین امکان‌پذیری را در اختیار ما می‌گذارد. از این رو بسیاری به سمت رویکرد مبتنی بر "توانایی" جذب شده‌اند - که اساساً پیشنهاد آمارتیا سن (132-138) : ۱۹۹۲ (Sen, A.) است و بعدها مارتا نوسبام (Nussbaum, M. 2000: 220-225) و دیگران آن را شرح و بسط دادند. این رویکرد دست کم بخشی از گنجینه‌ی مورد نیاز را برای ارائه‌ی نگرش‌ایجابی در اختیار ما می‌گذارد.

ولف در ادامه به استدلال سن اشاره می‌کند مبنی بر اینکه نظریات برابری که مورد بررسی قرار گرفته‌اند، در خصوص "جریان" عدالت، راه خطا را پیموده‌اند. به قول سن آن چه اهمیت دارد این نیست که شما چه منابعی در اختیار دارید یا به چه سطحی از رفاه ذهنی می‌توانید دست یابید، بلکه آن چه اهمیت دارد این است که منابع و فرصت‌های دیگر چه چیزی در اختیار شما می‌گذارند تا "انجام دهید و باشید" و او این رویکرد را "توانایی عملکرد" شما می‌نامد. افراد مختلف ممکن است به بسته‌های گوناگونی از منابع نیاز داشته باشند تا عملکردی مثل

هم داشته باشند و این به نیازهای خاص آن‌ها بستگی دارد.

آمارتیا سن نهایتاً فهرستی از "توانایی‌ها" ارائه نمی‌کند، اما مارتا نوسبام (Nussbaum, M. 2000: 220-225) فهرستی موقتی ارائه کرده که از نظر او می‌تواند تمامی جوامع را علی‌رغم تفاوت هایشان، پوشش دهد شامل: زندگی، سلامت جسمانی، تمامیت جسمانی، حس و تخیل و تفکر، احساسات، عقل عملی، پیوند جویی، بازی، کنترل بر محیط پیرامون خود، و گونه‌های دیگر (اینکه بتوانیم در ارتباط با حیوانات، گیاهان، و جهان طبیعت زندگی کنیم و به آن‌ها توجه نشان دهیم).

از نظر ولف، این دیدگاه نقطه ضعفی دارد، اینکه در "شاخص گذاری برای وضع نامطلوب" برای تعیین این که روی هم رفته کدام گروه از افراد در وضع نامساعدی قرار دارند؛ با دشواری مواجه است. آیا کسانی که بیمارترین هستند؟ آیا کسانی که ضعیف‌ترین شبکه‌های اجتماعی و احساس تعلق را دارند؟ یا کسانی که کمترین تحصیلات را دارند؟

به نظر ولف این مساله در عمل آن‌طور که به نظر می‌رسد، دشوار نیست. طبق معمول انسان‌هایی که از یک لحاظ در وضعیت بدی قرار دارند، از لحاظ دیگر نیز در وضع بدی قرار دارند. بنابراین، چنین انسان‌هایی میان محرومین قرار دارند. از این رو حکومت برای تحقق عدالت اجتماعی باید به کسانی که در طیف توانایی‌ها با بد عمل می‌کنند، توجه خاصی نشان دهد.

### ج- منطق پیشبرد مقاله

شاید بتوان ادعا کرد که در میان متفکران مسلمان، بحث جدی و مبنایی چندانی در خصوص عدالت اجتماعی و برابری توزیعی در بعد هنجاری و اجرایی وجود ندارد و هنوز بحث‌های مربوطه در میان متفکران مسلمان، مقدماتی و ابتدایی محسوب می‌شود. لذا در این تحقیق سعی شده است از تجربیات علمی و نظری غرب در حوزه عدالت پژوهی استفاده مناسبی برای تحلیل عوامل محرومیت زدایی در اندیشه و عمل سیاسی آیت الله خامنه‌ای (مدظله) بعمل آید. در این رابطه، شایان ذکر است که تفاوت پارادایم معرفتی اسلام با پارادایم‌های رقیب مدنظر است.

در مجموع با مروری بر روایت‌های مختلف فلسفی غرب از عدالت اجتماعی که «جاناتان ولف» به آن‌ها پرداخته است؛ می‌توان به چند محور به عنوان اساسی‌ترین شاخص‌های حوزه عدالت اجتماعی اشاره داشت:

- اولویت رسیدگی با محرومترین افراد جامعه است.
- حکومت با «ایجاد فرصت‌های برابر برای آحاد جامعه»، نسبت به برابر سازی اوضاع پیش زمینه‌ای افراد اقدام کند (مسئولیت اجتماعی) و از طرفی افراد نیز باید پیامد‌های انتخاب آزاد خود را بپذیرند (مسئولیت فردی).
- برابری فرصت، شامل «برابری فرصت در امور رقابتی و همچنین برابری فرصت در امور غیر رقابتی» برای همگان محقق شود.
- اصلاح «ساختارها، هنجارهای فرهنگی و سنت‌های اجتماعی سرکوبگر» صورت پذیرد.
- کسانی که در طیف «توانایی‌ها» عملکرد ضعیفی دارند (انواع معلولیت‌ها) مورد توجه قرار گیرند.

جاناتان ولف پنج شاخص فوق‌الذکر را قدر متیقن روایت‌های فلسفی غرب از مسئله عدالت اجتماعی می‌داند. در رابطه با مسئله محرومیت زدایی و عدالت اجتماعی در ایران شناخت خطوط کلی و خط قرمزهای هر گونه حرکت عدالت‌خواه لازم و ضروری است. بی‌تردید مقام معظم رهبری به عنوان عالی‌ترین مقام کشور رهنمودهایی برای محرومیت زدایی داشته‌اند که مسئولان ذی‌ربط باید در امر اجرا و توزیع منابع به استنباط نسبتاً دقیقی از دیدگاه‌های ایشان برسند. برای نائل شدن به این مهم، پاسخ به این سوالات در اندیشه آیت الله خامنه‌ای (مدظله)، می‌تواند راهگشا باشد:

۱. مسیر محرومیت زدایی چیست؟
۲. محرومیت زدایی در امر حکمرانی اولویت چندم است؟
۳. چه کسانی در توزیع منابع اولویت دارند؟
۴. فرصت برابر به مثابه پیش شرط عدالت اجتماعی لازم است یا خیر؟
۵. روندها و رویه‌های اصلاحی در تحقق عدالت اجتماعی کدامند؟
۶. وضعیت ناتوانان جامعه که نمی‌توانند از فرصت برابر برخوردار باشند چگونه باید باشد؟

۷. قدر متیقن دیدگاه آیت الله خامنه‌ای در امر محرومیت زدایی با دیدگاه‌های رقیب چیست؟ و

چه تمایزاتی دارد؟

### نمودار ۱: روایت های فلسفی مختلف در باب "عدالت اجتماعی"



### د- بایسته‌های محرومیت زدایی در دیدگاه آیت الله خامنه‌ای

مقام معظم رهبری ضمن برخوردار از جایگاه برجسته به لحاظ علمی و فقهی، سال‌ها به عنوان ولی فقیه، عهده دار سکان هدایت جمهوری اسلامی و تعیین کننده‌ی سیاست‌های کلان آن بوده‌اند. از این جهت، بررسی ابعاد اندیشه‌ی ایشان به ویژه در حوزه محرومیت زدایی حائز اهمیت

دوچندان می باشد. مرور اندیشه های معظم له بیانگر آن است که ایشان توجه به برخی عوامل در امر محرومیت زدایی را لازم و ضروری می دانند. این عوامل می تواند جنبه تاسیسی یا تاییدی داشته باشد.

### ۱. محرومیت زدایی در گرو عدالت اجتماعی

آیت الله خامنه ای (مدظله)، در جمع اعضای مجلس خبرگان رهبری و در خطابی به مسئولان جمهوری اسلامی، تاکید نمودند که قدم بزرگ در مسیر تحقق عدالت اجتماعی، ارائه بیشترین خدمات به محرومین و مستضعفین جامعه است:

«خدمت رسانی به مردم کار اصلی ماست و بیشترین کسانی که خدمت باید متوجه آنها شود، طبقه محروم و مظلوم و مستضعف جامعه اند که محتاج خدمتند... این، خود یک قدم بزرگ در راه ایجاد عدالت اجتماعی است» (بیانات، ۱۷/۰۶/۱۳۸۴).

### ۲. اولویت فوری و فوری رسیدگی به محرومین جامعه

رسیدگی به امور فقرا و محرومین جامعه همواره جزو توصیه های مقام معظم رهبری (مدظله) به آحاد مردم و به ویژه به مسئولان بوده است. به نحوی که اولویت خدمت رسانی به محرومین بارها از سوی ایشان در جلسات و مناسبت های مختلف مورد تاکید قرار گرفته است. معظم له در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت بر فقر زدایی و محرومیت زدایی به عنوان یکی از ارکان عدالت اجتماعی اشاره و فرمودند:

« در برنامه ریزی های بعدی، مسأله ی برطرف کردن فقر و محرومیت از کشور را در درجه ی اول قرار دهید که یکی از ارکان عدالت، این موضوع است .... این امر را در کارها و در همه ی بخشها و برنامه ریزیهایتان دخالت دهید. در سیاستهایی هم که برای برنامه ی دوم ابلاغ و اعلام شد، این نکته جزو اقلام مهم آن سیاستگذاری بود» (بیانات، ۰۸/۰۶/۱۳۷۴).

### ۳. «فرصت برابر» در جامعه، عاملی برای محرومیت زدایی

در دیدگاه آیت الله خامنه ای (مدظله) بر ضرورت بوجود آمدن یک جامعه ثروتمند و در عین حال عادلانه همواره تاکید شده است. به باور ایشان، از شروط شکل گیری جامعه عادلانه فراهم

ساختن فرصت‌های برابر در توزیع عمومی برای سایر مردم از طیف‌های مختلف اجتماعی می‌باشد: «عدالت به معنای تقسیم منابع حیاتی کشور میان آحاد مردم، عدالت به معنای تقسیم درست فرصت‌ها میان مردم» (بیانات، ۱۶/۰۵/۱۳۹۰) و در جایی دیگر «تقسیم و توزیع متناسب فرصت‌های کشور» (بیانات، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵) راز مصادیق تحقق عدالت اجتماعی، می‌دانند. البته در نظر ایشان، تحقق عدالت منوط به نگاهی عاقلانه به توزیع عادلانه امکانات می‌باشد. بدین معنا که ضمن توزیع عادلانه زمینه پیشینه کردن منابع و ظرفیت‌ها به منظور برخورداری هر چه بیشتر مردم فراهم آید: «عدالت یعنی امکاناتی که در کشور هست، عادلانه و عاقلانه تقسیم کنیم - نه عادلانه بی حساب و کتاب - و سعی کنیم همین امکانات را بیشتر کنیم تا به همه بیشتر برسد؛ نه این‌که به قشر خاص و به دسته‌ی خاصی بیشتر برسد». (بیانات، ۰۸/۰۶/۱۳۸۴). قید عاقلانه در توزیع عادلانه امکانات؛ ناظر بر این امر است که بسترها و ظرفیت‌های محیطی نیز در نظر گرفته شود تا مانع از هدر رفتن منابع گردد. به اعتقاد آیت الله خامنه‌ای (مدظله) «مهمترین و سخت‌ترین» وظایف مسئولان، رفع تبعیض و تحقق فرصت برابر بوده که همواره باید از جانب مجموعه‌ی دستگاه‌های دولتی و دولتمردان مورد توجه قرار گیرد: «پر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده‌ی از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهمترین و سخت‌ترین مسؤلیت ماست. همه‌ی برنامه‌ریزان، قانونگذاران، مجریان و همه‌ی کسانی که در دستگاه‌های گوناگون مشغول کار هستند، باید این را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حرکت خود به حساب آورند» (بیانات، ۱۴/۰۳/۱۳۸۳).

آیت الله خامنه‌ای (مدظله) بر عدم توفیق کامل تحقق عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی اذعان داشته (بیانات، ۱۷/۱۰/۱۳۹۳) با این حال، بر این نکته تاکید دارند که جمهوری اسلامی تا حد قابل قبولی توانسته است نگاه‌های طبقاتی حاکم بر توزیع منابع در دوران پهلوی را تعدیل نماید:

«ما از لحاظ توزیع منابع عمومی به همه‌ی مناطق کشور، پیشرفت کرده‌ایم. یک روزی بود که بیشترین منابع این کشور در مناطق مخصوصی که تعلق خاصی داشت به قدرتمندان آن روز و به دربار آن روز، صرف می‌شد؛ بسیاری از استانها و شهرها هم از منابع عمومی کشور هیچ حظ و بهره‌ای نداشتند. .... امروز وقتی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم از لحاظ خدمات، از لحاظ جاده‌سازی، از لحاظ ساختن بزرگراه‌ها و آزادراه‌ها و جاده‌های راحت، سرتاسر کشور برخوردارند. از لحاظ گسترش تحصیل علم، در سرتاسر کشور این امتیاز و این امکان وجود دارد» (بیانات، ۲۲/۰۷/۱۳۹۱).

اهمیت و ضرورت مسئله توزیع عادلانه منابع و امکانات عمومی سبب شده است که رهبر

انقلاب یکی از شاخص‌های اصلی انتخاب رئیس‌جمهور از جانب مردم را، اهتمام داشتن بیشه، گرایشی و رفتاری کاندیدای مذکور به توزیع عادلانه و ایجاد فرصت‌های برابر، بدانند: «رئیس‌جمهوری که اعماق کشور و روستاهای دورافتاده برای او با تهران تفاوتی نداشته باشد؛ حق مردم شهرهای بزرگ و کوچک در نظر او یکسان باشد؛ بتواند برای رفع تبعیض و پر کردن شکاف میان ثروتمندان و فقرا تلاش و کار کند» (بیانات، ۱۳۸۴/۲/۱۱).

#### ۴. ضرورت اصلاح ساختارها، هنجارهای فرهنگی و سنت‌های اجتماعی سرکوبگر

##### ۴-۱. تاسیس نظام اسلامی

در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای ساختارهای سیاسی-اجتماعی، نقش بسزایی در بوجود آمدن محرومیت یا رفع آن دارند. ماهیت نظام سیاسی و عملکرد دولتمردان می‌تواند منجر به بیشینه یا کمینه کردن محرومیت در جامعه گردد. به باور ایشان، مطلوب‌ترین نظام سیاسی در تحقق عدالت اجتماعی و به تبع آن محرومیت‌زدایی، نظام سیاسی اسلامی است: «فوریت‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است. ... دعوت به نظام اسلامی، منهای اعتقادی راسخ و عملی پیگیر در راه عدالت اجتماعی، دعوتی ناقص، بلکه غلط و دروغ است و هر نظامی هرچند با آرایش اسلامی، اگر تأمین قسط و عدل و نجات ضعیفان و محرومین، در سرلوحه‌ی برنامه‌های آن نباشد، غیراسلامی و منافقانه است» (پیام، ۱۰/۰۳/۱۳۶۹).

به باور آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله)، فقر و محرومیت در جامعه ایران، ریشه در ساختارهای سیاسی، اجتماعی غیر مشروع در دوران پیشانقلاب اسلامی دارد: «... نظام اسلامی آمد و آن برنامه و نقشه‌ی غلطی را که در این مملکت بود - که هیچ حقی برای روستا و روستائین و شهرهای دور دست و طبقات محروم قائل نبودند - تغییر داد و بیشترین اهتمام را روی این چیزها گذاشت» (بیانات، ۱۴/۰۳/۱۳۷۸).

از اینرو به باور ایشان نظام جمهوری اسلامی برآمده از انقلاب اسلامی مشروعیت لازم برای تحقق عدالت اجتماعی را داشته و باید در این راستا، مسئولین و دولتمردان راسخ باشند: «در جمهوری اسلامی، عدل یک پیام شخصی نیست؛ بلکه یک نظام اجتماعی است. این‌طور نیست که هر کس فقط در محیط خود، عادلانه رفتار کند. این کافی نیست. عدل معنایش این است که باید جامعه قائم به قسط باشد. «لیقوم الناس بالقسط» قانون، عادلانه؛ اجرا، عادلانه؛ نظارت، عادلانه؛



قضاوت، عادلانه؛ تقسیم، عادلانه. این، خصوصیتی است که برای جمهوری اسلامی ارزش محسوب می‌شود» (بیانات، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷).

## ۲-۴. ترویج هنجارهای دینی و سنت‌های اخلاقی در تحقق عدالت اجتماعی

در دیدگاه آیت الله خامنه‌ای (مدظله)، محرومیت زدایی و تحقق عدالت اجتماعی صرفاً امری سیاسی و از بالا به پایین نیست. فرهنگ جامعه که متشکل از هنجارها، و ارزش‌ها می‌باشد می‌تواند مانع یا تسهیل کننده محرومیت زدایی باشد. از اینرو، نهادهای فرهنگ متناظر با جامعه عادلانه و سنت‌های حسنه اجتماعی نقش بسزایی در این امر مهم دارد: «عدالت اجتماعی، که یک امر اجتماعی محض و مربوط به حکومت، سیاست و شیوه‌ی فرمانروایی در جامعه است، جز به برکت یک فرهنگ صحیح در اذهان یکایک مردم، تأمین شدنی نیست» (بیانات، ۱۳۷۴/۰۴/۱۹). به عنوان مثال، ترویج مصرف‌گرایی و اسراف می‌تواند نقش مخربی در تحقق عدالت اجتماعی داشته باشد. هدر رفتن مابه‌ازای مصرف جامعه در واقع همان حقوق محرومین و فقرایی است که می‌توانست به آنها برسد و مرهمی هر چند نحیف بر رنج بردن از فقر و محرومیت باشد: «مثلاً از یک طرف درباره‌ی عدالت اجتماعی برنامه‌ی خیلی خوبی تولید می‌کنید؛ اما از آن طرف در خلال یک برنامه‌ی دیگر، عملاً عدالت اجتماعی را نقض می‌کنید! ... تبلیغات رسانه‌یی و گاهی تبلیغ‌های خیلی پررنگ که مردم را به طرف مصرف‌گرایی سوق می‌دهد، با برنامه‌یی که فرضاً شما ساخته‌اید تا مصرف‌گرایی را تقبیح کنید، عملاً در تناقض است» (بیانات، ۱۳۸۳/۰۹/۱۱).

همچنین تقویت روحیه اخلاق بشر دوستانه در بافت اجتماعی جامعه و در قالب هنجارها و ارزش‌هایی چون قرض الحسنه، صدقه، انفاق، رسیدگی به ایتم، خمس و زکات و اقدامات خیرانه می‌تواند از یک طرف تا حدودی مانع از بوجود آمدن یا تعمیق شکاف‌های طبقاتی و اجتماعی در جامعه گردد و از سوی دیگر، کاستی‌های عملکرد دولت در امر عدالت اجتماعی را پوشش و تکمیل نماید. آیت الله خامنه‌ای (مدظله) در این رابطه چنین می‌فرماید:

«عدالت اجتماعی، به مقدار زیادی وابسته به اخلاق است. البته بخش عمده‌ی آن مربوط به مقررات و قوانین جامعه است. اما مقررات و قوانین، بدون این‌که افراد از اخلاق الهی و اسلامی برخوردار باشند، چندان کارساز نیست. امروز در جامعه‌ی ما، هستند کسانی که درآمدهای زیادی دارند... آیا این همه درآمد را باید صرف خودشان کنند؟ این اخلاق مادی است... ساختن فضاهای آموزشی، یا همین رسیدگی به عقب‌افتاده‌ها و معلولین جسمی و ذهنی، یک کار مهم است. کسانی که

امکان مالی دارند، بسیار شایسته است و از لحاظ اخلاقی یک فریضه است که بخشی از ثروت خودشان را برای اینها صرف کنند. این، همان دگرگونی اخلاقی است. اگر اخلاق در جامعه تأمین شد، عدالت اجتماعی تأمین می‌شود» (بیانات، ۲۳/۰۴/۱۳۷۲).

### ۳-۴. اهتمام به مصالح عمومی و منافع ملی در سیاستگذاری‌ها و اقدامات

توجه به منافع شخصی، صنفی، جناحی و حزبی برخی از دولتمردان در امر قانون‌گذاری و اجرای آن می‌تواند منجر به ایجاد شکاف طبقاتی یا تشدید آن شود. امری که پیامد آن منجر به تعمیق وضعیت و شرایط فقرا و محرومین در جامعه می‌گردد. از اینرو، آیت الله خامنه‌ای (مدظله) مسئولان را به نادیده انگاشتن مناسبات شخصی و جناحی در امر حکمرانی، گوشزد می‌نماید:

« یکی از آفات... سوء سیاستها در کشور (این است که) شکاف بین طبقات زیاد شود. این را باید بسیار مراقب باشند. عده‌ای فقط به خود فکر می‌کنند. اینها کسانی هستند که نه به قشر مظلوم و مستضعف، نه به فقرا و نه به آینده‌ی کشور فکر نمی‌کنند و فقط به جیب خودشان، به زندگی شخصی خودشان و به گردآوری هرچه بیشتر ثروت می‌اندیشند. دستگاههای مسؤول نباید اجازه دهند که اینها مرتب فاصله‌ها و شکافها را بیشتر کنند. عدالت اجتماعی، اساس است » (بیانات، ۱۴/۰۲/۱۳۷۹).

### ۴-۴. پاسخگویی مسئولان به مطالبات حقیقی مردم نه مسائل ساختگی و موهوم

در نگاه آیت الله خامنه‌ای (مدظله) تنها با شناخت نیازها و مطالبات حقیقی مردم و پاسخگویی مناسب و درخور به آنها می‌توان امید به تحقق عدالت اجتماعی بست. تفکیک و شناخت انتظارات صادق از انتظارات کاذب این امکان را فراهم می‌سازد که منابع و امکانات به نحو عادلانه توزیع و تخصیص یابد و از اتلاف توان و ظرفیت‌ها جلوگیری به عمل آید. پرداختن به امور غیرضروری و موهوم در امر حکمرانی انحراف از عدالت اجتماعی است:

«نیازها و مطالبات حقیقی مردم را می‌شناسید؛ اشتغال، مبارزه با فساد مالی، زدودن محرومیت از مناطق محروم، مهار تورم و مقابله با گرانی، روان شدن چرخه‌ی خدمت رسانی، گسترش و اعتلای فرهنگ و اخلاق، رونق یافتن علم و تحقیق، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی مسئولان حکومتی، در شمار برجسته‌ترین این نیازها است و اینها است که عدالت اجتماعی را ممکن و پیشرفت و توسعه را محقق می‌سازد. نیازهای موهوم و ساخته‌ی دست تبلیغاتچی‌های بیگانه و بدخواه، نباید بجای این

خواسته‌های حقیقی بنشینید» (پیام، ۱۳۸۳/۳/۶).

#### ۴-۵. پرهیز مسئولان از خوی کاخ نشینی، اشرافیگری و اسراف

در تفکر اسلامی مسئله اشرافیگری به شدت مطرود بوده و حرمت آن برای مسئولان و دولتمردان دوچندان است. شاید مهمترین دلیل این امر، این باشد: ۱. اشرافیگری سبک زندگی است که گرایش به سمت کالاهای لوکس، غیر ضروری و غیر مصرفی در آن برجسته است و عملاً این نوع زندگی پاسخ به نیازهای صادقانه انسان نمی‌باشد. مابه ازای مصرف‌های لازم و ضروری می‌توانست درد محرومینی گردد که در تامین نیازهای فوری و فوئی خود درمانده هستند. ۲. خوی اشرافی‌گری بالاخص برای دولتمردان سبب می‌شود که آنها تدریجاً درد محرومیت و فقر را احساس نکنند و دغدغه‌ای برای رفع و دفع عوامل محرومیت نداشته باشند. ۳. چنانچه مسئولان در سطح متعارف توده‌های مردم باشند حداقل کمکی که می‌توانند در راستای محرومیت انجام دهند این است که شخص محروم و فقیر در مقایسه زندگی خود با مسئولان، حداقل تا حدودی «رنج» کمتری از فقر و محرومیت احساس نمایند. اهتمام رهبران انقلاب اسلامی بر ضرورت اجتناب از خوی کاخ نشینی از این مجرا قابل درک است:

«امام طرف‌دار جدی حمایت از محرومان و مستضعفان بود؛ امام نابرابری اقتصادی را با شدت و حدت رد می‌کرد؛ اشرافیگری را با تلخی رد می‌کرد؛ ... به مسئولان کشور هشدار میداد درباره‌ی خوی کاخ‌نشینی - این نکته‌ای که در قرآن هم آمده است: وَ سَكَنَ فِي مَسْكِنٍ الَّذِينَ ظَلَمُوا - و همه را از خوی کاخ‌نشینی برحذر می‌داشت، تأکید مکرر می‌کرد بر اینکه به وفاداری طبقات ضعیف اعتماد کنید؛ ... بر مصرف درست بیت‌المال تأکید می‌کرد، بر پرهیز کردن از اسراف تأکید می‌کرد. این هم یکی از خطوط اساسی است. مسئله‌ی عدالت اجتماعی، طرف‌داری از محرومان و دوری از خوی اشرافیگری و خوی تجمل‌گرایی و عمل در این جهت» (بیانات، ۱۳۹۴/۳/۱۴).

#### ۴-۶. نقش و وظیفه مردم در مطالبه‌گری برای اجرای عدالت اجتماعی

در دیدگاه آیت الله خامنه‌ای (مدظله) تحقق عدالت اجتماعی گرچه وظیفه دولت است اما نقش مطالبه‌گری مردم در این امر می‌تواند این مسئله را در راس اولویت‌های حکمرانی قرار دهد. دولت‌ها و کارگزاران حکومتی بر اساس نظام‌های هنجاری و ارزشی مسائل سیاسی را اولویت بندی

می‌نمایند. قاعدتا دولتی که مسئله آزادی را به عنوان اولویت یک قرار می‌دهد با دولتی که مسئله عدالت یا امنیت را اولویت درجه یک برنامه‌ها و اقدام‌های خود قرار می‌دهد در پیشبرد مسائل جامعه، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و در نهایت تخصص منابع به یک صورت عمل نمی‌کنند. به باور آیت الله خامنه‌ای (مدظله) عدالت اجتماعی باید اولویت درجه یک دولتها باشد و مطالبه‌گری مردم می‌تواند مانع از انحراف دولت‌ها از نپرداختن به این امور باشد:

« باید مردم نسبت به مسأله‌ی عدالت اجتماعی و خواست عدالت اجتماعی، مجدانه و منطقی، با مسئولان‌شان صحبت کنند و از دولت‌ها و از نمایندگان مجلس این را بخواهند.... باید توجه داشته باشند آن کسی که عدالت اجتماعی را در درجه‌ی پنجم قرار می‌دهد و عناوین دیگری را به‌جای عدالت اجتماعی می‌گذارد، او بیشترین نیاز یک جامعه را نادیده می‌گیرد و از نظر دور می‌کند» (بیانات، ۱۳۷۷/۱۲/۴).

##### ۵. اهتمام به افراد ناتوان

معلولین در میان اقشار مختلف جامعه به نسبت سایرین با محدودیت‌هایی مواجه هستند که نمی‌توانند حتی با فرض وجود فرصت‌های برابر در مقایسه با انسان‌های عادی از این فرصت‌ها به نحو مقتضی و شایسته بهره‌مند شوند. لازم است از یک سوء، کارگزاران دولتی با در نظر داشتن وضعیت معلولیت تمهیداتی برای بیشتر برخوردار شدن آنها به منظور ترمیم این فاصله ناخواسته - با انسان‌های عادی - بردارند و از سوی دیگر نهادهای مردمی را جهت رسیدگی به احوالات آنها فعال نمایند:

« ما که روی مستضعفان و محرومین این همه تکیه داریم، دیگر از این معلولین، ضعیفتر و بی‌دست‌وپاتر واقعاً نمی‌شود پیدا کرد و لازم است به اینها با رعایت بیشتری رسیدگی کنیم.... این معلولین ذهنی که در خانه‌ها و در همه‌جا هستند؛ در کشورهایی که امکانات و پول دارند و راههای کار را بلدند، بسیاری‌شان به افراد کارآمدی تبدیل می‌شوند که می‌توانند کار انجام دهند... از نیروهای مردم، کمک‌های مردم، پول مردم، پول اوقاف، پول مجهول‌المالک، هرچه که گیرتان آمد، عیبی ندارد؛ استفاده کنید. متنها صرف کاری برای پیش بردن علمی این قضیه کنید... باید سعی کنیم از لحاظ علمی، آنچه را که امروز در دنیا درباره‌ی این قضیه کشف شده، به‌دست آوریم و بلکه بیش از آنها جلو برویم» (بیانات، ۱۳۷۲/۰۴/۱۳).

## ۶. ضرورت کمک‌های فوری و موردی

در پیش گرفتن سیاست‌های تحقق عدالت اجتماعی امری تدریجی، مداوم و زمان‌بر برای دولت‌ها است. در این میان نباید به بهانه اقدامات کلانی که برای رفع محرومیت زدایی در سطح گسترده‌ای انجام می‌شود؛ محرومینی که نیازمند کمک‌های فوری و موردی هستند را نادیده پنداشت. وضع محرومیت در طیف‌های مختلفی قابل احصاء است. چه بسا محرومینی که بدلیل عدم کمک‌های فوری حمایتی در شرایط وخیم یا از دست دادن جان خود باشند. قاعدتا محرومینی که مسئله محرومیت آنها امنیت غذایی است بسیار بغرنج‌تر از محرومینی هستند که مسئله محرومیت آنها امنیت بهداشتی باشد. از اینرو لازم است در سیاست‌های محرومیت زدایی و عدالت اجتماعی این وضعیت‌های خاص در نظر گرفته شود. عدم رسیدگی به موقع به جامعه‌ای که درگیر بلاهای طبیعی شده است می‌تواند منتهی به محرومیت عمیق، گسترده و حتی غیرقابل جبران در ابعاد مختلف گردد. رئیس ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) بر اهمیت کمک‌های واکنش سریع در امر محرومیت زدایی به نقل از آیت الله خامنه‌ای (مدظله) چنین می‌گوید: «کمک‌های موردی یادتان نرود و تحت تاثیر کارهای بزرگتان قرار نگیرد» (سایت تابناک، ۱۳۹۷/۹/۲۵).

## ۷. تقسیم خیرات و توزیع منابع براساس بهره‌مندی اکثریت جامعه

برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های دولتی برای توزیع منابع باید بگونه‌ای باشد که حداکثر افراد جامعه از خیرات بهره‌مند شوند. در برخی دیدگاه‌های حوزه عدالت پژوهی، علاوه بر میزان نسبی بهبودی، شمار نسبی افراد نیز به عنوان شاخصی برای تعیین اولویت‌ها و تخصیص منابع شناخته می‌شوند. آیت الله خامنه‌ای (مدظله) با استناد به کلام امام علی (ع) مبنی بر «و لیکن احبّ الامور الیک اوسطها فی الحقّ و اعمها فی العدل و اجمعها لرضی الرعیة» به این نکته اشاره می‌کند که مسئولان باید «عدالت را در سطح وسیع‌تری شامل حال مردم کنند؛ یعنی سطح تماسش با مردم و منافع آنها هرچه وسیعتر باشد و رضایت و خشنودی عامه و توده‌های مردم را بیشتر جلب کند» (بیانات، ۱۳۷۹/۹/۱۲).

## ۸. توجیه نابرابری‌های عادلانه

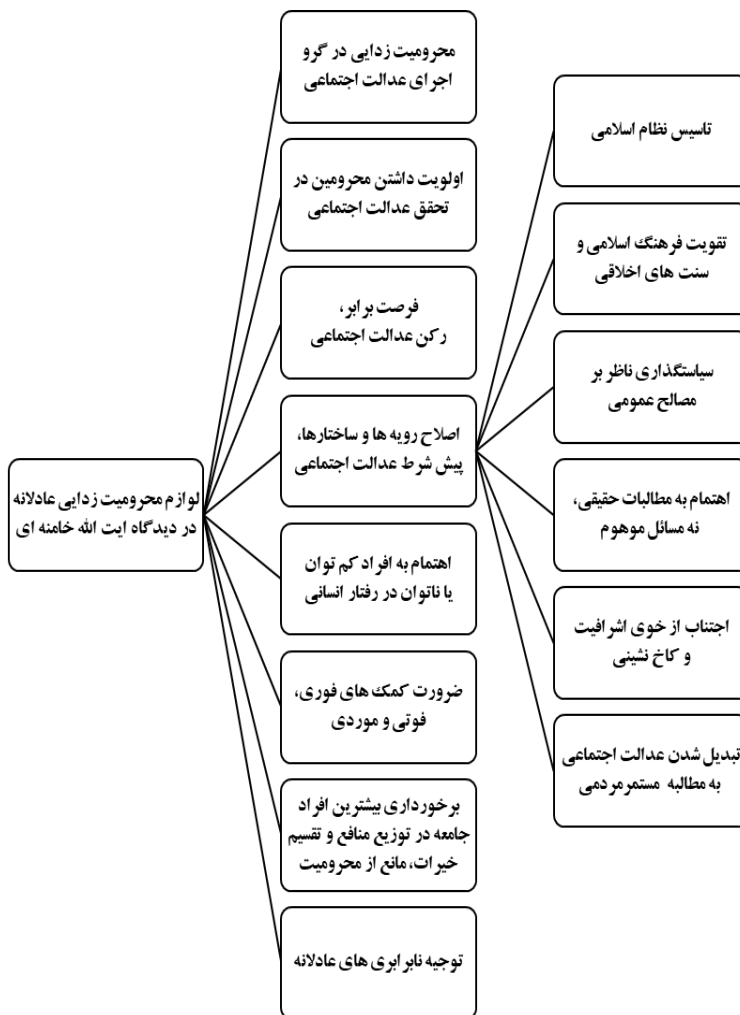
گاهی اوقات نابرابری‌ها می‌توانند عادلانه باشند، زمانیکه نفع بیشتری به افراد بیشتری برساند.

به عنوان مثال توجه به نخبگان جامعه می‌تواند منجر به این امر شود که آنها منافع بیشتری برای کل جامعه فراهم آورند. بنابراین نابرابری‌هایی که منتهی به برخورداری جامعه از منفعت بیشتری شوند، قابل توجیه است. آیت الله خامنه‌ای (مدظله) در این رابطه چنین می‌فرماید: «گاهی اوقات تبعیض، عین عدالت است. این حساب باز کردن برای نخبگان، عین عدل است» (بیانات، ۱۳۸۱/۷/۳).

### نتیجه گیری:

دیدگاه آیت الله خامنه‌ای در رابطه با محرومیت زدایی بیانگر این نکته است که مسئله محرومیت با فقدان عدالت اجتماعی در جامعه ارتباط تنگاتنگی دارد. از اینرو لازمه محرومیت زدایی استقرار عدالت اجتماعی است.

برخی از متفکران غربی در مسئله عدالت اجتماعی نقطه عزیمت خود را رسیدگی به احوالات محرومین جامعه می‌دانند. رسیدگی به محرومین می‌تواند امری آنی، موقت و فاقد تئوری عدالت باشد؛ در این صورت توزیع منابع عمومی حداقل آنچنان که باید هدفمند در جامعه محرومین صرف نشده و چه بسا منتهی به شکاف‌های عمیق در امر محرومیت و گستردگی شمول آن شود. آنچه در مقایسه خطوط اصلی رهیافت عدالت اجتماعی به عنوان پیش شرط محرومیت زدایی در دیدگاه آیت الله خامنه‌ای (مدظله) با دیدگاه‌های رقیب می‌تواند بیان کرد این نکته کلیدی است: «از لحاظ "نظری" نظام اسلامی در مقایسه با سایر نظام‌های اجتماعی توفیق بیشتری در مانعیت و دافعیت محرومیت دارد و از لحاظ "روشی" دیدگاه‌های اسلامی در رابطه با عدالت اجتماعی، همخوانی‌هایی با دیدگاه‌های رقیب دارد». به عبارتی دیگر، در دیدگاه آیت الله خامنه‌ای (مدظله) محرومیت محصول نظام‌های غیراسلامی است. و چنانچه عملکرد کارگزاران دولت اسلامی در معنای حقیقی اسلامی باشد می‌تواند به رفع محرومیت ناشی از عملکرد دولت‌های غیر اسلامی منتهی گردد. با این حال، نقشه اجرای عدالت اجتماعی در تفکر اسلامی اصول راهنمایی دارد که حداقل در محورهای چندگانه «اولویت داشتن محرومین»، «ضرورت ایجاد فرصت برابر»، «اصلاح ساختارها و رویه‌های ظالمانه» و «اهتمام مضاعف به افراد کم توان و ناتوان» با دیدگاه‌های جهانی همخوانی دارد. اگر چه می‌تواند این اصول راهنما در مقام تفسیر و عمل به سبک و سیاق‌های مختلفی ناظر بر زیست بوم‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی عملیاتی شوند.



نمودار ۲: لوازم محرومیت زدایی عادلانه در دیدگاه آیت الله خامنه ای

## کتابنامه:

## فارسی

۱. نهج البلاغه.
۲. احمدالعلی، صالح (۱۳۸۱). "دولت رسول خدا". ترجمه هادی انصاری. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳. بشیریه، حسین (۱۳۷۶). "تاریخ اندیشه سیاسی در قرن بیستم". تهران: نشر نی.
۴. حق خواه، منیره (۱۳۸۵). "عدالت از منظر امام خمینی و شهید صدر". پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی. نگاه کارشناس.
۵. سرآبادانی تفرشی، حسین. عادل پیغامی (۱۳۹۶). "تبیین مفهومی نظریه عدالت اجتماعی در اندیشه شهید صدر". فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه و الهیات. سال بیست و دوم. شماره دوم.
۶. صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۹). "اقتصادنا (موسوعه الشهید الصدر، ج ۳)". قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر.
۷. عیوضلو، حسین (۱۳۸۴). "عدالت و کارائی در تطبیق با نظام اقتصادی اسلام". تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع). ج ۱.
۸. کاپلستون، فردریک (۱۳۸۶). "تاریخ فلسفه". ترجمه سید جلال الدین مجتوبی. ج اول. تهران: علمی و فرهنگی.
۹. واعظی، احمد (۱۳۸۸). "نقد و بررسی نظریه های عدالت". انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۰. بیانات در دیدار با هیات دولت. ۱۳۷۴/۶/۸.
۱۱. بیانات در دیدار مسئولان و اقشار مختلف مردم. ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.
۱۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری. ۱۳۸۴/۶/۱۷.
۱۳. بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت. ۱۳۷۴/۶/۸.
۱۴. بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۹۰/۵/۱۶.
۱۵. خطبه‌های نماز جمعه تهران. ۱۳۸۹/۱۱/۱۵.
۱۶. بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت. ۱۳۸۴/۶/۸.



۱۷. بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله). ۱۳۸۳/۳/۱۴
۱۸. بیانات در دیدار مردم قم. ۱۳۹۳/۱/۱۷
۱۹. بیانات در اجتماع مردم اسفراین. ۱۳۹۱/۷/۲۲
۲۰. بیانات در دیدار مردم کرمان. ۱۳۸۴/۲/۱۱
۲۱. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره). ۱۰/۰۳/۱۳۶۹
۲۲. خطبه‌های نماز جمعه. ۱۴/۰۳/۱۳۷۸
۲۳. بیانات در دیدار کارگزاران نظام. ۱۳۷۱/۱۰/۱۷
۲۴. بیانات در دیدار اعضای شوراهای فرهنگ عمومی استان‌ها. ۱۳۷۴/۴/۱۹
۲۵. بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما. ۱۳۸۳/۹/۱۱
۲۶. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم. ۱۳۷۲/۴/۲۳
۲۷. بیانات در دیدار کارگران و معلمان. ۱۳۷۹/۲/۱۴
۲۸. پیام به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۰۶/۰۳/۳۸۳.
۲۹. بیانات در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله). ۱۳۹۴/۳/۱۴
۳۰. بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی. ۱۳۷۷/۱۲/۴
۳۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان سازمان بهزیستی کشور. ۱۳۷۲/۴/۱۳
۳۲. بیانات در دیدار کارگزاران نظام. ۱۳۷۹/۹/۱۲
۳۳. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی. ۱۳۸۱/۷/۳

#### انگلیسی

34. Tawney, R.(1931) Equality, London: George Allen and Unwin
35. Dworkin, A. (1981 b) `What is equality? Part 1: Equality of welfare`, philosophy and public Affairs, 10(3): 185-246
36. \_\_\_\_ (1981 c) `What is equality? Part 2: Equality of resources`, 10(4): 185-243
37. Sen, A. (1992) Inequality Re-examined, Cambridge, MA/ Oxford: Harvard University Press/ Clarendon Press
38. - \_\_\_\_ (1999) Development as Freedom, New York/ Oxford:

- Knopf/ Oxford University Press
39. Young, I. M. (1990) *Justice and the Politics of Difference*, Princeton, NJ: Princeton University Press
  40. Anderson, E. (1999) 'What is the point of equality?', *Ethics*, 109(2): 288-9
  41. Fraser, N. (1995) 'From redistribution to recognition? Dilemmas of Justice in a 'postsocialist' age', *New Left Review*, 1(212): 80-92
  42. Nussbaum, M. (2000) *Women and Human Development: The Capabilities Approach*, Cambridge: Cambridge University press
  43. Catrina McCinon (2012), *Issues in political Theory*, Oxford University press.

وبسایت

۴۴. تابناک ([www.tabnak.ir](http://www.tabnak.ir))، تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۹/۲۵، کد خبر: ۸۶۱۱۷۳